



لزوم یا عدم لزوم ارسال اظهارنامه

درباره برات بهرؤیت و سفته عندالمطالبه

□ دکتر امیرحسین فخاری
□ استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

قانون تجارت، دارنده برات و سفته را موظف کرده است تا وجه آنها را در «روز وعده» مطالبه کند. وی در صورتی که سند را در سررسید به متعهد آن ارائه کند و با عدم تأدیه روبه‌رو شود، موظف است واخواست ارائه کند. این نوشتار، پس از بررسی مفهوم واخواست، به موضوع دلیل لازم برای اثبات مطالبه وجه سند تجاری از سوی دارنده آن می‌پردازد و با ارائه استدلالهایی در این باره، تبیین می‌کند که ارائه واخواست برای چنین اثباتی کافی است و ادعای «لزوم ارسال اظهارنامه» از سوی دارنده سند تجاری، فاقد مبنا و توجیه حقوقی است. کلیدواژگان: قانون تجارت، اسناد تجاری، برات، سفته، اظهارنامه.

طرح مطلب

در اسناد تجاری، سررسید اهمیت فراوانی دارد. چنان که ماده ۲۴۱ قانون تجارت

مقرر می‌دارد، موعد پرداخت برات یا بی‌وعده تعیین می‌شود یا به‌وعده. اصطلاح به‌رؤیت، مترادف بی‌وعده به کار رفته است و اگر بدین صورت تعیین سررسید شده باشد، انتخاب زمان پرداخت با دارنده سند و فی‌المجلس است. در صورتی که موعد تأدیه به‌وعده باشد، به سه صورت باید معین شود: به‌وعده از رؤیت، به‌وعده از تاریخ صدور سند و زمان معین از حیث روز و ماه و سال.

به موجب ماده ۳۰۹ و ۲۴۱ قانون تجارت، مقررات راجع به موعد پرداخت برات نیز درباره سفته لازم‌الرعايه است؛ بنابراین، سررسید سفته نیز ممکن است بی‌وعده یا به‌رؤیت تعیین شود. قانون‌گذار در ماده ۳۰۷ قانون تجارت، اصطلاح «عندالمطالبه» را هم به کار برده است که با «بی‌وعده» و «به‌رؤیت» مترادف است و هم ممکن است به‌وعده از تاریخ رؤیت یا تاریخ صدور صادر گردد و یا تاریخی معین به عنوان سررسید قید شود.

ماده ۲۷۹ قانون تجارت این وظیفه را به عهده دارنده برات گذاشته است که پرداخت برات را در سررسید مطالبه کند.

به تصریح ماده ۳۰۹ همان قانون، ماده ۲۷۹ در مورد سفته نیز لازم‌الاجراست. این وظیفه، کاملاً توجیه‌پذیر است؛ زیرا براتگیر و متعهد سفته، هیچ‌گونه تکلیفی برای پیدا کردن دارنده سند ندارند تا دین خود را ایفا کنند؛ چه بسا دارنده سند را شناسند. حتی اگر بدانند سند هنگام صدور، در وجه چه کسی صادر شده است، معلوم نیست که به وسیله او به دیگری منتقل نشده باشد. می‌دانیم که اسناد تجارتي از قابلیت نقل و انتقال برخوردارند و ممکن است در فاصله بین تاریخ صدور و تاریخ سررسید، به دفعات مورد واگذاری قرار گرفته باشند.

با وجود آنکه ماده ۲۷۹ قانون تجارت فقط دارنده برات را موظف می‌کند که «روز وعده، وجه برات را مطالبه کند»، باید توجه داشت که متعهد سند تجارتي ضرورت دارد با تحویل گرفتن سند، به پرداخت آن مبادرت کند، در غیر این صورت، یعنی اگر بدون اخذ سند، وجه را تأدیه کند، ممکن است با این خطر مواجه شود که سند به دیگری انتقال یافته باشد و متعهد در قبال شخصی که سند را در دست دارد، همچنان مسئول باقی بماند و ممکن است ناگزیر شود مبلغ سند را

مجدداً به او بپردازد و حتی گرفتن رسید از دریافت کننده وجه، متعهد سند را در قبال ارائه کننده آن، بری‌الذمه نمی‌کند.

ماده ۲۵۰ قانون تجارت با توجه به خطری که به آن اشاره شد، مقرر می‌دارد: «هریک از مسئولین تأدیة برات می‌تواند پرداخت را به تسلیم برات و اعتراض‌نامه و صورت حساب متفرعات و مخارج قانونی که باید بپردازد، موکول کند.» بنابراین، امضاکنندگان اسناد تجارتي که در مقابل دارندگان این اسناد، مسئولیت تضامنی دارند، شخصی را باید به عنوان دارنده سند بشناسند که اصل سند را در دست داشته باشد و حتی احراز این امر، کافی نیست و لازم است با گرفتن سند به پرداخت آن اقدام کنند، مبدا که این سند به دیگری منتقل شود که در این صورت، نسبت به پرداخت به او مسئول خواهند بود.

حال باید دید اگر دارنده سند نتواند با ارائه سند به مسئول پرداخت، آن را وصول کند، چه باید کرد؟ قانون تجارت برای او وظیفه‌ای مبنی بر «اعتراض یا واخواست عدم تأدیة» مقرر ساخته است.

الف) نقش واخواست و آثار آن

قانون تجارت تعریفی از واخواست را به دست نداده است، اما مبحث دهم فصل نخست باب چهارم آن قانون که مشتمل بر ۵ ماده است، به این موضوع اختصاص داده شده است.^۱ در این مواد توضیح داده شده که در چه مواردی باید واخواست به عمل آید و واخواست‌نامه باید متضمن چه نکاتی باشد و ترتیب ثبت و ابلاغ آن از چه قرار است و به چه کسانی باید ابلاغ شود.

فرهنگ حقوقی کاپیتان، واخواست را چنین تعریف کرده است:

سند خارج از جریان دادرسی که عموماً توسط مأمور ابلاغ تنظیم می‌شود، مگر در موارد استثنایی که به وسیله سردفتر به عمل می‌آید، بدین منظور که به طور رسمی، عدم تأدیة برات را در سررسید محقق سازد. در حقوق مربوط به اسناد تجارتي، دو نوع واخواست وجود دارد:

۱. مواد ۲۹۳-۲۹۷ قانون تجارت.

واخواست نکول (ماده ۱۱۹ قانون تجارت)؛
و واخواست عدم تأدیه (ماده ۱۶۲ قانون تجارت).
اگر واخواست در مهلت‌های مقرر قانونی که اصولاً فردای روز سررسید است، به
عمل نیاید، ظهرنویسان بری‌الذمه می‌شوند.^۱

فرهنگ *Lexique* تعریف زیر را از واخواست به دست داده است:
سند رسمی تنظیم‌یافته توسط مأمور ابلاغ یا سردفتر، حسب تقاضای دارنده سند
تجارتی به منظور تحقق رسمی:
یا عدم تأدیه سند در سررسید (واخواست عدم تأدیه)،
یا امتناع از قبول برات از جانب براتگیر (واخواست نکول).^۲

با توجه به این تعاریف، معلوم می‌شود که دارنده سند، تکلیفی غیر از این ندارد
که اگر سند را در سررسید به متعهد آن ارائه کرد و با عدم تأدیه روبه‌رو شد، به
واخواست اقدام کند؛ به عبارت دیگر، نه در مقررات بین‌المللی حاکم بر اسناد
تجارتی و نه در قانون تجارت ایران، نصی یافت نمی‌شود که بر اساس آن، دارنده
سند موظف باشد دلیلی غیر از واخواست ارائه کند که دال بر این باشد که سند را
در سررسید به منظور مطالبه وجه آن به متعهد ارائه کرده است.

۱. در تأیید این نظر که واخواست به تنهایی کافی است، برای اثبات مراجعه
دارنده سند به منظور درخواست قبولی یا مطالبه وجه سند، می‌توان به دو ماده قانون
تجارت استناد کرد:

یکی ماده ۲۳۶ که مقرر می‌دارد:
نکول برات به موجب تصدیق‌نامه‌ای که رسماً تنظیم می‌شود، محقق می‌گردد.
تصدیق‌نامه مزبور موسوم است به اعتراض (پروتست) نکول.

هنگامی که دارنده برات، سند را برای گرفتن قبولی به براتگیر ارائه می‌کند،
ممکن است براتگیر کتباً مراتب نکول خود را در آن منعکس سازد و نیز ممکن

1. Vocabulaire juridique de Henri CAPITANT, les jresses universities de
France ۱۹۳۰.
2. Lexique de termes jusedique, Dallos ۱۹۷۲.

است از قبول و نکول، امتناع کند و یا اینکه به طور مشروط، قبولی را بنویسد. در هر صورت، برات، نکول شده به شمار می‌رود. وقتی براتگیر از قبول و نکول خودداری می‌کند، واخواست نکول دلیل تلقی می‌شود بر اینکه سند به او ارائه شده و او نیز از قبول یا نکول خودداری کرده است و لازم نیست دلیل دیگری برای اثبات این امر، ابراز گردد.

ماده دیگر مورد استناد، ماده ۲۹۴ است که مقرر می‌دارد:

اعتراض نامه باید مراتب زیر را دارا باشد:

۱. سواد کامل برات با کلیه محتویات آن اعم از قبولی و ظهرنویسی و غیره؛
۲. امر به تأدیة وجه برات.

مأمور اجرا باید حضور و غیاب شخصی که باید وجه برات را بدهد و علل امتناع از تأدیة یا از قبول و همچنین علل عدم امکان امضا یا امتناع از امضا را در ذیل اعتراض نامه قید و امضا کند.

پس طبق ماده مزبور که برات باید متضمّن دستور دارنده برات به براتگیر یا صادرکننده سفته به پرداخت وجه سند باشد، متضمّن این معناست که تنظیم واخواست، خود دلیل است بر اینکه دارنده سند، وجه آن را مطالبه کرده است.

چنان که ماده ۲۹۳ قانون تجارت مقرر می‌دارد، واخواست نامه به بدهکار واقعی سند (یعنی در برات به براتگیر یا شخصی که در آن سند برای تأدیة عندالافتضا معین شده است و شخص ثالثی که برات را قبول کرده است و در سفته به صادرکننده آن) ابلاغ می‌شود و به هیچ وجه ضرورت ندارد به برات‌دهنده و ظهرنویسان و ضامنان ابلاغ گردد. چون مخاطبان واخواست نامه، اشخاصی هستند که به پرداخت وجه سند موظف‌اند، تردیدی نیست که این سند برای این منظور تنظیم می‌شود که دلیل بر مطالبه به شمار رود. اگر این هدف را برای واخواست قائل نباشیم، فایده‌ای بر آن مترتب نیست که در این صورت، باید اقدام برای تنظیم واخواست نامه را عملی لغو بدانیم و می‌دانیم که نباید به قانون‌گذار ارتکاب عمل لغو را نسبت داد.

۲. ذکر این نکته نیز لازم است که مسلماً دارنده برات پیش از اقدام به واخواست، وجه سند را مطالبه کرده که با عدم تأدیة مواجه شده است و با

واخواست، عدم تأدیه را مسجل می‌سازد. این برداشت منطقی هم از واخواست وجود دارد که وقتی دارنده سند، زحمت تنظیم واخواست‌نامه را به خود می‌دهد و هزینه سنگین واخواست را می‌پردازد و برای ثبت آن در دفتر ثبت واخواستها وقت صرف می‌کند و پس از مدتی مجدداً مراجعه می‌کند و نسخه‌ای از واخواست‌نامه ابلاغ شده را از دایره واخواست مطالبه می‌کند، نشان می‌دهد که نخست با رجوع به متعهد، وجه سند را مطالبه کرده و به نتیجه نرسیده است.

۳. مطلب قابل توجه دیگر این است که صدور برات به رؤیت و سفته عندالمطالبه، در زمان حاضر رایج نیست و رسم صدور این گونه اسناد به زمانهایی برمی‌گردد که چک متداول نبوده است. در زمان حاضر، اگر قرار باشد تعیین زمان پرداخت به اراده دارنده سند موقوف گردد، از ابزار چک استفاده می‌شود که مالیات آن بسیار ناچیز است و هیچ بازرگانی حاضر نیست برای این قبیل پرداختها از برات و سفته استفاده کند که باید بابت مبلغی که تعیین می‌کند، مالیات سنگینی بپردازد.

با این وصف، نباید نادیده گرفت که به طور معمول، استفاده کنندگان از تسهیلات بانکی، علاوه بر قراردادهایی که با بانکها می‌بندند و تعهداتشان به روشنی مشخص می‌شود، برای تضمین انجام دادن آن تعهدات، سفته‌های دو امضایی به بانکها می‌دهند که سررسید آنها عندالمطالبه تعیین می‌شود.

۴. چنانچه سررسید برات و سفته به‌وعده، از تاریخ صدور برات یا تاریخ معین از حیث روز و ماه و سال باشد، حتی اگر دارنده سند به واخواست اقدام نکند و به استاد سند مزبور، علیه براتگیر، قبول کننده و صادر کننده سفته اقامه دعوا کند، دعوی او مسموع است و دادگاه باید به محکومیت خواننده حکم صادر کند. دارنده فقط برخی از امتیازهای مربوط به اسناد تجارتي را از دست می‌دهد؛ مثلاً حق مراجعه به ظهرنویسان را ندارد و اگر برات‌دهنده هم ثابت کند که محل برات را نزد براتگیر تأمین کرده بوده، مسئولیت او هم ساقط می‌شود و برای صدور قرار تأمین خواسته هم باید بابت جبران خسارات احتمالی تأمین بدهد.

اما از آنجا که برات و سفته مورد گفت‌وگو در دست دارنده آن، دلیل اشتغال ذمه براتگیر و صادر کننده سفته است و اگر بر پرداخت کردن وجه سند دلیلی اقامه

نکنند، باید حکم محکومیت آنان به پرداخت مبلغ سند صادر شود. به هیچ وجه معمول نیست که دادگاهها از اقامه کنندگان دعوا دلیل بخواهد که پرداخت وجه طلبشان را در سررسید مطالبه کرده‌اند. اما اگر سررسید برات به رؤیت یا به وعده از رؤیت و سررسید سفته عندالمطالبه تعیین شده باشد، این نظر ابراز گردیده که لازم است دارنده سند نخست به موجب اظهارنامه، وجه سند را مطالبه کند.

در ذیل در مقام آن هستیم که ثابت کنیم که در اسنادی که سررسید آنها به گونه فوق معین شده باشد، اگر واخواست به عمل آمده باشد، هیچ ضرورتی نیست که به طور جداگانه، وجه سند مطالبه شود و در مواردی هم که واخواست نشده باشد، اظهارنامه تنها وسیله مطالبه وجه سند به شمار نمی‌رود.

ب) عدم توجیه لزوم ارسال اظهارنامه

ماده ۲۲۶ قانون مدنی مقرر می‌دارد:

در مورد عدم ایفای تعهدات از طرف یکی از متعاملین، طرف دیگر نمی‌تواند ادعای خسارت نماید، مگر اینکه برای ایفای تعهد، مدت معینی مقرر شده و مدت مزبور منقضی شده باشد، و اگر برای ایفای تعهد، مدتی مقرر نبوده، طرف وقتی می‌تواند ادعای خسارت نماید که اختیار موقع انجام تعهد با او بوده و ثابت نماید که انجام تعهد رامطالبه کرده است.

دکتر جعفری لنگرودی در ذیل همین ماده می‌نویسد: «نحوه مطالبه مذکور در ماده ۲۲۶ قانون مدنی را ماده ۷۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی بیان کرده است»^۱
در قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۷۹، ماده ۱۵۶ جایگزین ماده ۷۰۹ قانون قدیم شده است و جز چند تغییر عبارتی بی‌اهمیت، ماده ۷۰۹ عیناً تکرار شده است. ماده جدید چنین مقرر می‌دارد:

هر کس می‌تواند قبل از تقدیم دادخواست، حق خود را به وسیله اظهارنامه از دیگری مطالبه نماید، مشروط به اینکه موعد مطالبه رسیده باشد. به طور کلی، هر کس حق دارد اظهاراتی را که راجع به معاملات و تعهدات خود با دیگری دارد

۱. جعفر جعفری لنگرودی، مجموعه محسّی قانون مدنی، ص ۱۹۶.

و بخواهد به طور رسمی به وی برساند، ضمن اظهارنامه به طرف ابلاغ نماید.

نظریه مشورتی شماره ۷/۳۱۴۲، مورخ ۱۳۶۲/۸/۱۲ اداره حقوقی وزارت دادگستری مقرر می‌دارد:

مطالبه وجه سفته در سفته‌های عندالمطالبه، زمانی تحقق می‌یابد که متعهد از نیت متعهدله برای مطالبه سفته مستحضر شود و این آگاهی، وقتی قانوناً محقق می‌شود که مراتب، طبق ملاک ماده ۷۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی از طریق اظهارنامه رسمی به بدهکار ابلاغ شده باشد؛ بنابراین در سفته‌های مذکور، نحوه مطالبه وجه سفته، ارسال اظهارنامه رسمی و زمان محاسبه و اخواست، تاریخ ابلاغ این اظهارنامه به بدهکار خواهد بود.^۱

به دلایل زیر، عقیده آقای دکتر جعفری لنگرودی و نظریه اداره حقوقی وزارت دادگستری، مبنای حقوقی موجّهی ندارد.

۱. در ماده ۱۵۶ قانون آیین دادرسی مدنی اشخاص مکلف نشده‌اند که حتماً قبل از تقدیم دادخواست، حق خود را به وسیله اظهارنامه رسمی از دیگری مطالبه کنند. در ماده مزبور، فعل «می‌تواند» به کار رفته است؛ بنابراین، حق مطالبه اشخاص به ارسال اظهارنامه منوط نیست، همچنان که کسانی که به استناد اسنادی، اقامه دعوا می‌کنند و الزام متعهد به انجام دادن تعهد را درخواست می‌کنند، در اغلب موارد، قبلاً حق خود را با ارسال اظهارنامه مطالبه نکرده‌اند.

۲. در مواردی که مطالبه حق از دادگاه به مطالبه آن از برات‌دهنده موقوف باشد، اظهارنامه، طریقیّت دارد، نه موضوعیّت. طبق ماده ۲۲۶ قانون مدنی، اگر در قرارداد برای اجرای تعهد، مدت ذکر نشده باشد، ولی اختیار زمان اجرا با متعهدله بوده و ثابت کند که اجرای تعهد را خواستار شده است، حق مطالبه خسارت را دارد. قانون‌گذار در این ماده، مقرر نکرده است که مطالبه، حتماً باید به طریق ارسال اظهارنامه صورت گرفته باشد.

قانون آیین دادرسی مدنی هم در ماده ۷۰۹ سابق و هم در ماده ۱۵۶ فعلی، راه

۱. مجموعه نظرهای مشورتی اداره حقوقی دادگستری جمهوری اسلامی ایران (در زمینه مسائل مدنی از سال ۱۳۶۲ به بعد)، تهیه و تنظیم: غلامرضا شهری و امیر حسین آبادی، نشر روزنامه رسمی.

انحصاری مطالبه را در ارسال اظهارنامه ندانسته و ممکن است از راه دیگری نیز تحقق یابد؛ مثلاً ارسال تلگراف، تلکس، فاکس و واخواست.

۳. فایده مطالبه حق از راه اظهارنامه، طبق قانون آیین دادرسی مدنی مصوب سال ۱۳۱۸ به مواردی مربوط بود که در قرارداد، در خصوص خسارت تأخیر تأدیه، توافقی به عمل نیامده بود. در این صورت، اگر متعهدله، خواسته را به وسیله اظهارنامه مطالبه می کرد، خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ ابلاغ اظهارنامه محاسبه می شد و اگر اظهارنامه ارسال نشده بود، مبدأ محاسبه، تاریخ اقامه دعواست. ماده ۷۲۱ هم نشان دهنده الزامی نبودن ارسال اظهارنامه، برای مطالبه حق است. وانگهی، در صورت واخواست اسناد تجارتي، ماده ۷۲۱ درباره آن اسناد حکومت نداشت؛ زیرا ماده ۳۰۴ قانون تجارت مقرر می دارد:

خسارت تأخیر تأدیه مبلغ اصلی برات که به واسطه عدم تأدیه اعتراض شده است، از روز اعتراض و خسارت تأخیر مخارج اعتراض و مخارج برات رجوعی فقط از روز اقامه دعوا محسوب می شود.

۴. در خصوص عدم لزوم ارسال اظهارنامه درباره براتهای به رؤیت و سفته‌های عندالمطالبه، می توان به ماده ۲۵۵ قانون تجارت نیز استناد کرد که مقرر می دارد: «روز رؤیت در برواتی که به وعده از رؤیت است و روز صدور برات در برواتی که به وعده از تاریخ صدور است، حساب نخواهد شد.» بنابراین، اگر ارسال اظهارنامه در براتهای به رؤیت ضروری می بود، باید در این ماده مقرر می گردید که روز ابلاغ اظهارنامه محاسبه نمی شود.

نتیجه

وظایف دارنده سند تجاری و ضمانت اجرای عدم ایفای آن وظایف، مشخصاً در قانون تجارت تعیین شده است و در هیچ بندی از آن، دارنده سند (در براتهای به رؤیت و سفته‌های عندالمطالبه) به مطالبه وجه سند با یک نوشته موظف نشده است، بلکه تنها موظف است اگر سند تأدیه نشد، واخواست کند. ضمناً هنگامی سند

واخواست می‌شود که دارنده آن به متعهد مراجعه و وجه آن را مطالبه کند، اما به او پرداخت نگردد. پس او به وظیفه مطالبه وجه سند عمل کرده است و نهایتاً برای اثبات اینکه پرداخت را خواستار شده، وظیفه واخواست به عهده وی محول شده است.

اساساً فایده واخواست عدم تأدیه، مسجل و محقق ساختن عدم تأدیه است. اگر این فایده را در نظر نگیریم، انجام دادن این تشریفات، بی فایده و لغو است. بنابراین تردیدی نیست که درباره اسناد مورد بحث، واخواست، متضمن این فایده است که دارنده سند، سند را برای مطالبه وجه آن به متعهد ارائه و متعهد از پرداخت خودداری کرده است و به هیچ وجه لزوم ارسال اظهارنامه علاوه بر واخواست، توجیه پذیر نیست. اما در مواردی که نسبت به این قبیل اسناد، واخواست به عمل نیامده باشد، حسب ماده ۲۲۶ قانون مدنی، لازم است که دارنده سند، پرداخت مبلغ موضوع سند را مطالبه کرده باشد که حتی در این گونه موارد نیز تنها راه مطالبه، اظهارنامه نیست، بلکه ممکن است مطالبه با هر وسیله‌ای به عمل آید.